

هنر رهبری کورش بزرگ

نوشته‌ی:

گزنفون

خوانش:

علیرضا هدیریک

ترجمه و افزوده‌ها:

کورش زعیم



نشر هزار کرمان

تهران - ۱۴۰۱

سرشناسه : گزنفون، قرن ۴ ق. م. Xenophon
 عنوان و نام پدیدآور : هنر رهبری کورش بزرگ / نوشته‌ی گزنفون؛ خوانش لاری هدریک؛ ترجمه و
 افزوده‌ها کورش زعیم.
 مشخصات نشر : تهران: هزار کرمان، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری : ۳۱۹ ص: مصور؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.
 فروست : گفتگوی فرهنگ‌ها؛ ۱.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۰۰-۱۰-۷
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیفا
 یادداشت : عنوان اصلی: Xenophon's Cyrus The Great: The Arts of Leadership and War

یادداشت : این کتاب برگرفته از کتاب "Cyropaedia" نوشته‌ی گزنفون است.
 یادداشت : چاپ قبلی این کتاب تحت عنوان «کورش بزرگ گزنفون: هنر رهبری و جنگ» تحت
 انتشارات ایران‌مهر در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است.
 عنوان دیگر : کورش بزرگ گزنفون: هنر رهبری و جنگ.
 موضوع : کورش هخامنشی، شاه ایران، - ۵۲۹ ق م. — داستان
 موضوع : مدیریت؛ رهبری
 موضوع : ایران — شاهان و فرمانروایان — داستان
 موضوع : ایران — تاریخ — هخامنشیان، ۵۵۸ - ۳۳۰ ق. م.
 شناسه افزوده : هدریک، لاری Hedrick, Larry
 شناسه افزوده : زعیم، کورش، ۱۳۱۸ - مترجم
 رده‌بندی کنگره : DSR ۲۲۷/۵۴ ک۹ ۱۳۹۴
 رده‌بندی دیویی : ۵۵۸.۱۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۹۰۲۶۲۲

نقل مطالب و طراحی‌های این کتاب (جز برای معرفی و نقد کتاب)، اقتباس، چکیده‌نویسی، خواندن در
 رادیو و تلویزیون و گسترش در اینترنت و هرگونه استفاده‌ی دیگری از مجازات کتبی از ناشر ممنوع است.

نشر هزار کرمان: تهران، خیابان کارگر جنوبی، پلاک ۹، میدان پاسور، خیابان دانشگاه جنگ،

پلاک ۹ تلفن: ۰۹۱۲۷۳۳۴۲۶۶ - ۶۶۹۲۳۹۲۶

Email: nashrhazarkerman@yahoo.com

www.hazarekerman.ir



نشر هزار کرمان

هنر رهبری کورش بزرگ

گزنفون
 خوانش: لاری هدریک
 ترجمه و افزوده‌ها: کورش زعیم
 ویراستار: علی قاسمی
 نسخه پردازی، کتابشناسی و بازخوانی نهایی: عقاب علی احمدی
 طراحی روی جلد و صفحات: جمشید حقیقت‌شناس
 طراحی نشانه‌ی نشر هزار کرمان: محمد جهانی مقدم
 حروفچینی: افسانه شاه‌کرمی؛ صفحه‌بندی: علی اکبر حکم‌آبادی
 چاپ اول: ۱۳۹۵؛ چاپ دوم: ۱۴۰۱
 شمارگان: ۱۵۰ نسخه
 چاپ و صحافی: پردیس دانش
 ناشر: انتشارات هزار کرمان

ISBN: 978-600-5700-10-7

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۰۰-۱۰-۷

فهرست

۱۳	 پیشگفتار
۲۱	 پیشگفتار لاری هدریک بر ترجمه‌ی فارسی
۲۳	 نامه‌ی لاری هدریک به مناسبت چاپ دوم
۲۵	 پیشگفتار مترجم
۲۹	 پیشگفتار نویسنده بر متن انگلیسی کتاب
۳۴	 نگاهی بر نوشته‌های کلاسیک مرتبط
۳۶	 چکیده‌ی ویرایشی نوین
۳۹	 کتاب اول: دلاوری از آغاز
۴۰	 در کردار نیک نمونه باش
۴۲	 تا می‌توانی بر دانش خود بیافزا
۴۴	 از فرصت‌های غیرمنتظره بهره‌برداری کن
۴۶	 با انگیزه‌ی یک نظم نوین، الهام‌بخش پیروان خود باش
۴۷	 بدان چه هنگام خاموش باشی
۴۹	 همیشه خداوند را ستایش کن
۵۱	 یک رهبر راستین مردم را به آنچه باید باشند دگرگون می‌کند
۵۲	 خطا در خوداتکایی

- کتاب دوم: پندی برازنده‌ی یک پادشاه..... ۵۵
 نگذار هیچکس بیکار بماند..... ۵۶
 فرمانبری نباید از روی اجبار باشد..... ۵۷
 پیش بینی فاجعه می‌تواند تو را از بدبختی نجات دهد..... ۵۸
 نیرنگ در جنگ باید جوانمردانه باشد..... ۶۰
 ترفندهای غیرمنتظره، دشمن را سردرگم می‌کند..... ۶۲
 سخن خردمندان نوآوری می‌آفریند..... ۶۳
 بهره‌بری از نادانی دیگران..... ۶۴

- کتاب سوم: آیین هماوردی..... ۶۷
 خودباوری نشان بده، نه نگرانی..... ۷۰
 پرهیزناپذیری درگیری را از پیش شناسایی کن..... ۷۱
 در رویارویی با خطر، شور نشان بده نه ترس..... ۷۲
 ابزار باید در خور کار باشد..... ۷۴
 همیشه در خور شنوندگان خود سخن بگو..... ۷۵
 تفاوت میان درجه‌داران را کم کن..... ۷۶
 دوستی و همگرایی را با سرگرمی‌های گریزی افزایش ده..... ۷۹
 با خرده‌گیران آنگونه رفتار کن که سزاوارش هستند..... ۸۰
 تلاش برای بالا رفتن از شیب تند..... ۸۲

- کتاب چهارم: بهره‌گیری از فرصت..... ۸۵
 توان هماوردی درونی را به بیرون هدایت کن..... ۸۶
 بلندپروازی خود را در حد منافع دیگران آشکار کن..... ۸۷
 با به دست گرفتن ابتکار عمل، امتیاز روانی بیافرین..... ۸۸
 بکوش مستقل عمل کنی..... ۹۰
 همه‌ی نیرومندی خود را زود هنگام نمایش نده..... ۹۱
 نقشه‌های بی‌خردانه را در تطفه خفه کن..... ۹۲
 در میدان نبرد آوای خود را به همه برسان..... ۹۴
 نفرهای آموزش‌دیده همیشه از تنگنا سربلند بیرون می‌آیند..... ۹۵
 با ایمان به پیروزی پیشروی کن..... ۹۶

- شیردلان از پیشارو رهبری می کنند نه از پشت ۹۸
- کتاب پنجم: افزایش لشگریان ۱۰۱
- قهرمانان خود را نمونه برای دیگران بشمار ۱۰۲
- با پاداش در زیردستان خود انگیزه ایجاد کن ۱۰۳
- از هر پیروزی برای پیروزی بعدی بهره برداری کن ۱۰۴
- برای دفاع از برنامه‌ات از افراد خودت استفاده کن ۱۰۵
- در برابر سخن ناامیدکننده استدلال کن ۱۰۶
- بگذار ستایشگران تو، به جای تو کُتش کنند ۱۰۸
- از همبستگی‌های تازه بهره‌برداری کن ۱۰۹
- انگیزه‌ی پیروان خود را درک کن ۱۱۱
- ارتباط‌های خود را روشن و باز نگاه‌دار ۱۱۲
- از آنها که در صحنه هستند اطلاعات بجوی ۱۱۵
- از شهوت غارتگری پیشگیری کن ۱۱۷
- کتاب ششم: مهمیز برای سرعت ۱۱۹
- خود بزرگ‌بینی برای برخی گران تمام می‌شود ۱۲۰
- به کارگران انگیزه بده تا در راه هدف خدمت کنند ۱۲۲
- نخست به هم‌پیمانانت پاداش ده تا وفاداری آنها را بخری ۱۲۴
- دشمنی را که رشک نام دارد، شکست بده ۱۲۵
- برای سرعت‌دادن به حرکت، دگرگونی ایجاد کن ۱۲۶
- سودمندی تغییر را به زیردستان بیاوران ۱۲۸
- سخنوری دیگران شاید به خوبی خودت باشد ۱۳۰
- بکوش هم‌پیمانان خود را در مشورت سهیم کنی ۱۳۱
- از گمان خودبزرگ‌بینی جلوگیری کن ۱۳۲
- بخت خوش بهانه‌ای برای آزمندی نیست ۱۳۳
- کتاب هفتم: دل‌ها یکی می‌شوند ۱۳۵
- خشم، شنونده را بیزار می‌کند ۱۳۶
- نماینده‌ای ارزشمند برگزین ۱۳۷

- ۱۳۹..... سخن کم گوی و گزیده گوی
 ۱۴۰..... سخن را باید زیرکانه به کار برد
 ۱۴۲..... برای یکپارچگی ارتش تلاش کن
 ۱۴۲..... دوستان خود را با نمایش سخاوتمندی شادمان کن
 ۱۴۳..... نوآوری را برای سود همگان توجیه کن
 ۱۴۵..... رهایی بخش بودن وفاداری را افزون می کند

 ۱۴۷..... کتاب هشتم: تراز قدرت عوض می شود
 ۱۴۸..... بیدادگری شدید را باید پاسخ شدید داد
 ۱۵۰..... برای خرسندی یک دادخواه ارزشمند، با سرعت عمل کن
 ۱۵۲..... نیرنگ خردمندانه یک چیز است، نیرنگ ناجوانمردانه چیز دیگر
 ۱۵۳..... وفاداری را سپاس بدار
 ۱۵۶..... برای نگهبانی از خود اقدام کن
 ۱۵۸..... از فرصت برای حفظ شهرت خود بهره بجوی
 ۱۵۹..... طنز را هرگز با بدخواهی نپایان

 ۱۶۱..... کتاب نهم: پیش به سوی پیروزی
 ۱۶۳..... رقیب را در زمین خودش به چالش بکش
 ۱۶۴..... روانشناسی را همانند جنگ افزار به کار ببر
 ۱۶۵..... کاری کن که دوستان از سوی تو سخن بگویند
 ۱۶۶..... بگذار دلخوری های کهنه به استوارسازی پیمان های تازه بینجامد
 ۱۶۷..... ترفندی بیاندیش که پیروزی بیاورد
 ۱۶۸..... پیروزی های کاربردی، راهبرد را تغییر می دهد
 ۱۷۰..... احساسات را از تصمیم گیری دور کن
 ۱۷۱..... هرگز فداکردن دوستان را نپذیر
 ۱۷۲..... به ریز کار پرداز، اگر اهمیت داشته باشد
 ۱۷۴..... همبستگی قدرت را می افزاید

 ۱۷۷..... کتاب دهم: مهربانی دوستان
 ۱۷۸..... بی انضباطی شکست می آورد

پیشگفتار

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد
آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد

ایران : نماد حقوق بشر

پژوهش درباره‌ی شخصیت‌های معاصر چندان دشوار نیست، زیرا از یک‌سو اوضاع تاریخی شامل وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زمان معاصر تا حدود زیادی روشن است و اغلب پژوهش‌های زیادی از دیدگاه‌های گوناگون درباره‌ی آنها انجام شده و همچنین امکان دسترسی به اطلاعات، مدارک و مستندات مرتبط با این دوره‌ی زمانی فراهم است و از سوی دیگر، کنش‌ها و واکنش‌های برخاسته از این دوره در تاریخ ثبت شده است، بنابراین می‌توان آن شخصیت مورد نظر، اندیشه و کردار او را در بستر تاریخی‌ای که در آن می‌زیسته، مطالعه کرد و درباره‌اش به داوری نشست.

اما پژوهش و سخن‌گفتن از کورش، فرمانروای ایران‌زمین، که نزدیک

به سی قرن پیش از این می‌زیسته، پس دشوار است، و همراه با اندیشه و تأمل و شگفتی. با این حال، شورمندی و شیفته‌سری نباید ما را به چنان گردابی بیندازد که حقیقت را واژگونه ببینیم و نتوانیم درکی ژرف و داوری‌ای دقیق از آن داشته باشیم. باید تجربه‌ها، رویدادها و حقایق تاریخی را بی‌هیچ تعصب، دلبستگی و پیش‌داوری در کنار هم نهاد و با تحلیلی مبتنی بر واقعیات انکارناپذیر، درباره‌ی موضوعات و شخصیت‌ها به داوری نشست.

خرد حکم می‌کند که در کنار بررسی افکار و کردار بزرگان ایران در دوره‌های گوناگون تاریخی، به اوضاع تاریخی اجتماعی ایران و سایر کشورها در دوره‌ی مورد نظر نیز توجه داشته باشیم تا از راه مقایسه بتوانیم وضعیت حکومت‌ها و ملت‌ها و حقوق مردمانشان را تحلیل و نتیجه‌گیری کنیم.

و آزادانه بررسی کنیم که آزادی اندیشه، دین و آیین، آزادی بیان و گفتار، آزادی رفت و آمد و انتخاب جایگاه زندگی، آزادی انتخاب زبان، ارج نهادن به کار و مقام کارگر و مواردی از این دست که امروزه مدافعان حقوق انسان‌ها در سراسر جهان به کمک اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به آن استناد می‌کنند، در زمان فرمانروایی کورش چگونه بوده است؟

بی‌گمان تمدن‌ها در گذر دوران بالنده و سازنده می‌شوند، اوج می‌گیرند و سرانجام افول می‌کنند؛ اما، برخی از مدنیت‌ها، با چنان معنویتی درآمیخته‌اند که حتی پس از به پایان رسیدن شکوفایی‌شان، آثار ارزشمندی از آنها به جای می‌ماند. آنچنان که ریچارد فرای گفته است: «اگر بخواهیم دستاوردهای ایران عصر هخامنشی را ارزیابی کنیم، مفهوم حکومت جهانی واحد یعنی ادغام ملت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون جهانی مهم‌ترین میراث آن قلمداد می‌شود.»

تاریخ گواهی می‌دهد، بیش از چهارهزار سال پیش، مردمی که خود را آریا (به معنی آزاده) می‌خواندند، از سرزمین‌های شمالی کره‌ی زمین به

این پهنه از گیتی (ایران) سرازیر شدند و در آن جای گرفتند و آن را آشیانه‌ی آریان خواندند.^۱

این مردمان سپس دل به اندیشه و گفتار و کردار ابرمردی سپردند که از نزدیکی دریاچه‌ی ارومیه برآمده و برای مصون ماندن از گزند حسودان، به شرق مهاجرت کرده بود. ابرمردی که پیام خدانشناسی، خودشناسی، جهان‌شناسی و مردم‌شناسی را در نهانخانه‌ی دل هر یک از آنان نهاد و پیشروی و نوسازی و انسان‌مداری را سرلوحه‌ی پیامش قرار داد. او شادبودن را رکن تزلزل‌ناپذیر زندگی می‌دانست و بر آن بود که مردمان، شادبودن خود را در شادی‌بخشیدن به دیگران به‌دست می‌آورند؛ آنجا که دلی آزرده نکنند و چشمی را گریان نسازند. این نغمه‌ی مدارا و معرفت از کاخ گنج‌داران تا کلبه‌ی رنجبران راه یافت و چنان کرد که بزرگ‌ترین فرمانروایی روی زمین در سایه‌ی نگرش و ارزش‌های والای بشری پایه‌ریزی و استوار شد.

آیا در تاریخ هیچ حکومتی جز دوران هخامنشیان، می‌یابیم که وظیفه‌اش شادی‌آفرینی برای مردمش باشد؟ و بر این باور باشد که قلبی می‌تواند شاد باشد و لیبی توان خندیدن دارد که دغدغه‌ی مسکن، امید رفاه، تهاجم ستمگر و تفاخر زراندوزان و تکبر قدرتمندان را به ناچار نپذیرفته باشد؟ هال باید در نظر گرفت دنیای دردناکی را که در هر دقیقه‌اش دو میلیون دلار هزینه‌ی ساخت جنگ‌افزارهای ویرانگر می‌شود تا کشتن انسان آسان‌تر شود و در همان هال، بیش از سی کودک زیر شش سال در جدال با گرسنگی جان می‌بازند. کورش و اندیشه‌ی او

۱. دومین همایش پژوهش فرهنگ باستان و شناخت اوستا (مجموعه‌ی مقاله)، به کوشش مسعود میرشاهی، انجمن رودکی، پاریس، ۱۳۷۹.

نه تنها از زمانه‌ی خویش فراتر بود، که با یک مقایسه‌ی تطبیقی و سنجش منطقی و اصولی با تأثر و شگفتی درمی‌یابیم که از زمانه‌ی ما نیز فراتر بوده است.

برای آن که سخنم بی‌دلیل و برهان نباشد، ناگزیرم به دو مفهوم در حقوق توصیه‌ای استناد کنم: بیانیه‌های جهانی در ادبیات حقوق بین‌الملل به دو گروه تقسیم می‌شوند که در حقوق معاهدات از آنها با عنوان‌های «اعلامیه»^۱ (بیانیه‌های توصیه‌ای) و «معاهده»^۲ (بیانیه‌های الزام آور) نام می‌برند.

بیانیه‌های توصیه‌ای، بیانیه‌هایی هستند که تنها جنبه‌ی توصیه‌ی اخلاقی دارند و فاقد ضمانت اجرایی و به‌دور از تعقیب و بازجویی و بازخواست‌های بین‌المللی‌اند. حقوقدانان در خصوص این‌گونه بیانیه‌ها اعتقاد دارند که ابرار کار اجزایی و توانایی پیگیری در خصوص این نوع توصیه‌ها وجود ندارد؛ بنابراین اگر کشوری این بیانیه‌ها و مواردش را نادیده انگارد و بدان‌ها پایبند نباشد، تنها به ذکر نام آن کشور و حکومت و توجه دادن افکار دایمی بین‌المللی به رفتار آن کما می‌شود^۳ تا شاید از این رهگذر، دولتی که این بیانیه و موارد آن را نقض کرده است، از رفتار خود شرمگین شود. بیانیه‌ای که در موضع توصیه است، فاقد توش و توان لازم برای مقابله با کاستی‌ها و نابرابری‌های دنیای گسترده و پیچیده‌ی کنونی است. اما بیانیه‌های الزام‌آور، ضمانت اجرا برای اجرایی‌شدن و تعهد لازم برای رعایت موارد آن را به همراه دارند. با این توضیح و تحلیل کوتاه، می‌توان دریافت که آنچه کورش بزرگ در ۵۳۴

1. Declaration

2. Treaty

3. Naming and Shaming

سال قبل از میلاد بیان داشته، یک قانون و منشور بوده است و از نوع بیانیه‌های الزام‌آور محسوب می‌شود؛ یعنی فرمانی که به موجب آن ساتراپ‌ها (شهربانان) موظفند در رویارویی مردم با آنها و برخورد آنها با ملت، آن را رعایت کنند.

امروزه در حقوق بین‌الملل چنین فرمانی را «قطعنامه»^۱ می‌گویند که متأسفانه «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر» و سی ماده‌ی آن، هنوز از چنین جایگاهی برخوردار نشده است، و تلاش شده با اهرم‌های دیگری، مواد آن ضمانت اجرایی بیابند.

باید توجه داشت که کورش در منشور خود اعلام داشته که رسم بردگی باید از جهان برافکنده شود و هیچکس نباید دیگری را به بیگاری بگیرد و بدون پرداخت مزد از وی کار بکشد. او تأکید می‌کند که نباید کسی به دیگری ظلم کند و اگر شخصی مورد ستم واقع شد، حق او از ستمکار بازپس گرفته و مسترد خواهد شد و ستمگر نیز به مجازات خواهد رسید. کورش بر این نکته پای می‌فشارد که فرمانروایان حق ندارند زیردستان خود را خوار بشمارند. او به روشنی اعلام می‌کند هر کس آزاد است هر دینی را که به آن باور دارد، برگزیند و در هر مکانی که میل دارد، ساکن شود، به این شرط که در آنجا حق کسی را پایمال نکند. شگفت‌انگیزتر آنکه اعلام می‌دارد «هرگز پادشاهی خود را بر هیچ مردمی تحمیل نخواهم کرد و همه‌ی مردمان آزادند پادشاهی را که خود می‌خواهند برگزینند و من با آن مردمان به جنگ نخواهم پرداخت» و الی آخر. آنان از تعلیمات پیامبر دین بهی آموخته بودند که این دعای جاویدان را برای همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها ماندگار کنند که: «ای توانای دانا (اهورامزدا) ! از تو خواستاریم که این سرزمین را از شر

دشمن (نابودکننده‌ی بیرونی) و از شر دروغ (مهاجم درونی) حفظ کن.»
 بجا است به نکته‌ای اشاره کنم که در کتاب *خاطرات بنیامین فرانکلین*، یکی از بنیانگذاران ایالت‌های متحد آمریکا، آمده است. او اشاره می‌کند که به هنگام تدوین قانون اساسی آمریکا، کتاب *شهریار نیکولو ماکیاولی* و *منشور کورش بزرگ* در برابر چشم تدوین‌کنندگان اعلامیه قرار داشته است و آنان خوشبختی و کامیابی ملت خود را در پیروی از اندیشه‌ی کورش یافته‌اند، نه آرا و اندیشه‌های ماکیاولی. اما در هنگام تجزیه و تحلیل زندگی کورش با حقیقت تلخی نیز روبرو می‌شویم و آن این است که در روزگار ما، کمتر حکومتگری از او یاد می‌کند. با این که در قرآن به او اشاره شده و *تورات* او را تمجید کرده، خودکامگان جهان و مستبدان پهنه‌ی گیتی، از آنجا که از گسترش این شیوه‌ی کشورداری و تأثیر آن بر سلطه‌ی خویش بیمناک‌اند، از آشنایی مردم با کورش و افکار او جلوگیری می‌کنند.

صد سال پس از کورش، هنوز برده‌داری در روم و یونان چنان رواج داشت، که انسان در صدر فهرست کالاهای تجاری بود و حکمرانان چنان سختدل و نامهربانانه رفتار می‌کردند که به‌راستی، هیچ حیوانی به حیوانی روا نمی‌داشت آنچه این نامردمان با جان انسان‌ها می‌کردند.

در تمدن دیوار به دیوار آن زمان ایران، یعنی تمدن یونان، انسان‌ها به دو گروه برده و آزاد تقسیم می‌شدند و در هیچ شرایطی به بردگان اجازه‌ی فعالیت فکری نمی‌دادند. نظام اخلاقی وفای به عهد که گروهی از اندیشه‌مندان آن را پدیده‌ای نوین می‌دانند، در زمان کورش سیراب از آبشخور اندیشه‌های زرتشت، آنچنان بود که از آتش به عنوان نور، روشنایی و گرمی و شاهد پیمان‌ها مدد می‌جستند و طرفین به پیمان و عهد خود پایبند بودند.

توجه بر این نکته لازم است که اکنون در بزنگاه انتخاب و زمان

حساس بازبینی ارزش‌ها و ارزیابی کار حکومتگران، به روشنی درمی‌یابیم که در دوران هخامنشیان و سال‌هایی که در پی آن آمده است، جامعه‌ی ایرانی به چنان نگرشی از کمال‌گرایی دست یافته بود که روابط انسان‌ها و کنش آنها با حکومت را به گونه‌ای تعبیر و تفسیر می‌کردند که امروزه بشر با همه‌ی قدرت، فناوری و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی هنوز به آن دست نیافته است.

شیوه‌ی حکومت‌داری و مشارکت مردم با آن به گونه‌ای بوده است که در نیمه‌ی اول قرن بیستم هنوز آرزوی تحقق دوباره‌ی آن را در دل فرزندگان و فرهیختگان می‌بینیم. آن رایحه‌ی مهربانی و مدارا که در نگرش‌ها و تصمیم‌ها و کردار حکومت هخامنشی متبلور بود، هنوز هم دور از دسترس بشر است؛ آنچنان که در کتیبه‌های آنان می‌خوانیم: «خواست خداوند در زمین جنگ نیست، بلکه صلح، فراوانی و خوشبختی انسان‌ها است.»

همچنین در منشور کورش آمده است: «باشد که دل‌ها شاد گردد.» شادی هنگامی در خانه‌ی دل انسان‌ها جای می‌گیرد که دغدغه‌های روزمره و وسوسه‌های بی‌قانونی و تجاوز و دست‌درازی در صحنه‌ی زندگی او جای نداشته باشد.

اکنون این گلایه رواست که چرا با آن که در اسطوره و تاریخ کهن ایران آمده است که نباید توانا بر ناتوان ستم کند و آرزو شده است که اهورامزدا این کشور را از دشمن و دروغ بپاید، در صحنه‌ی گیتی جایگاهی در خور تمدن و تاریخ سرزمین‌مان نداریم؟

متأسفانه کوشندگان فرهنگی این مرز و بوم، تلاشی شایسته در این زمینه نکرده و خویشتن را تقویت ننموده‌اند. اکنون هنگامه‌ای است که برای روشن‌شدن چشم شر باید یک بار دیگر این معانی و مفاهیم را نخست برای فرزندان این سرزمین که نیاز به خودباوری و بازآیابی

دوباره‌ی هویت خویش دارند، بازگو کنیم.

این مهم، مورد توجه سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی نیز قرار گرفته است. تا آن‌جا که در گزارش مجمع جهانی یونسکو^۱ در تهران چنین آمده است: «... قوت و ضعف فرهنگ‌ها کمتر به دلیل قوت و ضعف ارزش‌های سازنده آنها و بیش‌تر معلول نیروی وسایل ارتباطی اشاعه‌دهنده‌ی آنها است؛ بنابراین، فرهنگ‌هایی با نظام‌های ارزشی بسیار گسترده و والا ممکن است در تماس با فرهنگ‌های دیگر که وسایل ارتباطی و اشاعه‌دهنده‌ی نیرومندی در اختیار دارند، محو و تباه شوند و می‌دانیم که جوانان در اغلب کشورها به پذیرش بی‌چون و چرا و برده‌وار ارزش‌های خارجی گرایش بسیار دارند.»

در این زمینه گسترش و طرح هر گونه گفتمان و اشاعه و انتشار این میراث‌های ملموس و ناملموس ارزنده، در خور تقدیر و سپاس است. تلاش جناب آقای کورش رحیم که مبادرت به ترجمه‌ی این کتاب کرده است - و این خود نشان‌دهنده‌ی آن است که بیگانگان به ژرفا و بزرگی تمدن ایران باستان، بیش از ما توجه دارند - گران‌بنگ و ارجمند است. تلاش ایشان با احترام در یادها خواهد ماند.

محمدعلی دادخواه

عضو شورای عالی نظارت بر حقوق بشر

کانون مدافعان حقوق بشر ایران

بهار ۱۳۸۷

1. Pierre Moinot, *Rapport de la reunion de Tehran sur la politique culturelle*, 16-20 Mai, 1970.

به نقل از کتاب درباره‌ی فرهنگ، نوشته‌ی جلال ستاری، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴.